

گذاری بر تاریخ قدیمی ترین مسیرهایی که هیئت‌های مذهبی طی می کردند تا خود را به حرم مطهر رضوی برسانند

گذرسوگ در صحن عتیق



مسیر نخستین هیئت های مشهد که از خیابان صفوی (بالا خیابان و پایین خیابان) می گذشت

مسیر هیئت‌های مشهد که از بازار بزرگ می گذشت

باید در همان زمان هم، مراسمی ریشه‌دار و کهن بوده باشد.

● حرم رضوی؛ مقصد عزاداران حسینی
مراسم عزاداری در ماه‌های محرم و صفر، در مشهد، پیش از آنکه این شهر به معنای واقعی کلمه، ساختار شهری و جمعیت فراوان پیدا کند، در حرم مطهر و رواق‌های محدود آن برگزار می‌شد، اما از دوره ایلخانی به این سو و با شکل گرفتن محلات شهر و افزایش جمعیت آن، به تدریج هر محله برای خودش، مکان و محل عزاداری خاص پیدا کرد، اما این موضوع به معنای از بین رفتن مرکزیت حرم رضوی در مراسم مذهبی و به‌ویژه عزاداری ماه‌های محرم و صفر نبود. مشهدی‌ها به دلیل عشق وافر به ثامن الحجج^(ع) و نیز مرکزیت حرم رضوی در تمام امور مذهبی و اجتماعی شهر، این مکان مقدس را به مقصد همه هیئت‌های عزاداری شهر تبدیل کردند. این رویه، تقریباً از آغاز حکومت صفوی و رسمی شدن مذهب شیعه اثنی عشری در ایران، تثبیت شد. دلیل ما بر این ادعا، وقف‌نامه‌های بی‌شماری است که در این زمینه وجود دارد و خبر از یک فعالیت سازمان دهی شده و منظم در عرصه برپایی عزاداری‌های کمنل ادواریت، سرکنسول بریتانیا در مشهد، در کتاب «خراسان و سیستان» خود، به نظم بی نظیر هیئت‌های عزاداری مشهدالرضا^(ع) برای ورود به حرم مطهر، در ۱۲۷ سال پیش، اشاره می کند؛ می نویسد: «همین که روزهای گذشت و به دهم محرم یعنی روز شهادت امام حسین^(ع) نزدیک می شدیم، سوگواری با شدت بیشتری ادامه می یافت. هر محله یا طایفه ای، هیئت‌های عزاداری خاص خود را داشت.

مقصد همه هیئت‌های عزاداری، حرم امام رضا^(ع) بود که نزد شیعیان قداست خاصی دارد.

● ماهیت پاگرفتن هیئت‌ها
همان طور که «بیت، اشاره می کند، هیئت‌های عزاداری در مشهد، عموماً بر پایه سه عامل «محل زندگی»، «صنف محدود» آن برگزار می‌شد، اما از دوره ایلخانی می‌گرفت و با توجه به اینکه مشهد پذیرای اقوام گوناگون از مناطق مختلف ایران و جهان بوده است، تنوع در آداب عزاداری را، بیش از هرجای دیگری، می‌توان در مشهد قدیم و جدید مشاهده کرد. نکته جالب اینجا است که در گذر زمان، این هیئت‌ها، شیوه‌ها و همچنین آداب و رسوم عزاداری را از هم وام می‌گرفتند و به کار می‌بستند که صحبت درباره آن، مجال و فرصت دیگری را می طلبد.

● طراحی مسیر حرکت عزاداران
اما برگردیم به موضوع اصلی امروز؛ یعنی مسیرهای عزاداری در مشهد قدیم. گفتیم که رونق هیئت‌های عزاداری در مشهد، از دوره صفویه به این سو افزایش یافت و به تدریج، بر تعداد آن‌ها افزوده شد. با توجه به تأسیس خیابان مشهد در حدود سال ۱۰۱۰ قمری، قاعدتاً عزاداران، باید این مسیر را برای رسیدن به مقصد، یعنی حرم مطهر امام رضا^(ع) برمی‌گزیدند، اما در عمل، مسیر اصلی حرکت هیئت‌ها، بازار مشهد بود، یعنی هیئت‌های عزاداری، از مسیر بازار قدیمی سرشور و بازار زنجیر، در حاشیه غربی حرم رضوی، خودشان را به صحن عتیق می‌رساندند. از این مسیر عزاداری می‌توان دو نتیجه را فرض کرد، نخست اینکه برنامه‌های عزاداری، پیش

از تأسیس خیابان مشهد هم برقرار بوده است و عزاداران از مسیر سنتی بازار برای رسیدن به حرم رضوی استفاده می‌کردند، به‌ویژه آنکه در عصر شاه عباس یکم، با افزایش مساحت صحن عتیق به چهار برابر مساحت اولیه و اتصال مستقیم بازار به صحن، در گوشه جنوب غربی آن، راه مستقلی برای حرکت به‌سوی حرم مطهر ایجاد شده بود. دوم اینکه بازار، نقشی محوری در اداره هیئت‌های عزاداری داشت. این واقعیت، به‌ویژه زمانی که در باییم هر کدام از تیمچه‌ها و اصناف بازار مشهد، به‌ویژه در دوره‌های متأخر، مانند عصر قاجار، هیئت‌ها و دسته‌های عزاداری مخصوص به خود را داشتند، روشن تر می‌شود، بنابراین دسته‌های عزادار از مسیرهای منتهی به بازار مشهد حرکت می‌کردند و بعد از ورود به بازار، از مسیری که گفتیم یا از طریق بازار ساعت، در حاشیه غربی صحن عتیق، خودشان را به حرم رضوی می‌رساندند. در این زمینه، گزارش غلامحسین بقیعی در کتاب «تاریخ مشهد قدیم: مزار میرمادر» که روایتی داستان گونه دارد، خالی از لطف نیست. بقیعی در این کتاب ضمن اشاره به جایگاه خاص یکی از سادات رضوی و هیئت عزاداری وی در مشهد قدیم، می‌نویسد: «دسته‌ای که از باغ هشت‌آباد بیرون می‌آمد، برخلاف سایر دسته جات که می‌بایستی از طریق کوچه چهارباغ و بازار وارد صحن بشوند، مستقیماً از پشت بالاخیابان و درب ساعت داخل می‌گردید. طول این دسته به قدری بود که وقتی جلوی آن در پشت پنجره فولاد استقرار می‌یافت، دنباله‌اش



مسیر قدیمی هیئت‌های مذهبی مشهد بر روی نقشه سال ۱۲۲۵ قمری

هنوز وارد بست نشده بود». این گزارش نشان می‌دهد که با وجود مسیری سنتی برای حرکت همه هیئت‌های عزاداری به‌سوی حرم رضوی، برخی هیئت‌ها مسیر دیگری را برمی‌گزیدند که به خیابان مشهد، منتهی می‌شد، بعدها، مسیر پایین خیابان نیز، برای برخی هیئت‌های پرجمعیت، حکم مسیر اصلی را پیدا کرد و درواقع، هیئت عزاداری در مشهد قدیم، در مسیرهای مختلف منتهی به حرم رضوی پخش شدند. این اقدام، هرچند که ریشه در استقلال این هیئت‌ها و تلاش رؤسای آن‌ها برای حفظ آبرومندانه این استقلال داشت، درواقع راهکاری برای کاستن از تراکم یا به قول امروزی‌ها، ترافیک مسیرهای منتهی به حرم رضوی، در روزهایی مانند عاشورا بود، مشکلی که گاه باعث کدورت و حتی سبزه‌های ناخوشایندی میان هیئات مذهبی در شهر مشهد می‌شد. در دهه ۱۳۱۰ خورشیدی، با ساخت فلکه حضرت، مسیرهای سنتی عزاداران در مشهد قدیم، کارایی خود را از دست داد و با ممنوعیت عزاداری در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، به دستور رضاشاه، فعالیت هیئت‌ها برای حدود شش سال متوقف شد. در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ و فعالیت دوباره هیئت‌های عزاداری، مسیرهای سنتی، جای خود را به مسیرهای جدید داد که بیشتر بر خیابان قدیمی مشهد و دو معبر جدیدالاحداث، یعنی خیابان تهران (امام رضا^(ع) فعلی) و طبرسی متمرکز بود، رویه‌ای که همچنان برقرار است و شاهدش هستیم.



تصویری از اعضا و عزاداران هیئت محبان الحسین در مشهد (فروردین ۱۳۲۰ خورشیدی). در عکس آیات وحجج اسلام سید محمد هادی میلانی، سید حسن طباطبایی قمی، سید علی علم الهدی، حاج انصاری واعظ و... دیده می شوند.

مرضیه ترابی

سرگذشت سوگواری‌های مذهبی، به‌ویژه عزاداری‌های ماه‌های محرم و صفر، با تاریخ هزار و بیست ساله مشهد پیوندی ناگسستنی دارد. با وجود آنکه اطلاعات تاریخی ما در این باره دقیق نیست و شاید نتوان درباره این موضوع، گزارش مستقلی در متون قدیمی پیدا کرد، نشانه‌هایی از برپایی منظم مراسم عزاداری در مشهد و در ایام محرم و صفر وجود دارد که گزارش «ابن اثیر»، در «الکامل فی التاریخ»، یکی از آن‌هاست. او درباره حوادث سال ۵۱۰ قمری می‌نویسد: «در عاشورا ای سال ۵۱۰ قمری یک نفر علوی (احتمالاً منظور وی شیعه است) با یکی از فقیهان طوس درافتاد و کار به زدوخورد کشید. پس از پایان مشاجره، هریک از این دو تن به‌دسته خود پیوست و فتنه عظیمی برپا شد که در آن، تمام اهل طوس شرکت جستند و مشهد را احاطه کردند و ویران ساختند و هرکه را یافتند، کشتند، به نوشته ابن اثیر، بعد از این واقعه، مردم مشهد مجلس عزاداری روزهای جمعه خود را به تاجار تعطیل کردند تا آنکه عضدالدین فرامرز علی، از امرای آل کا کویه که در خدمت سلجوقیان بود و مذهب شیعه داشت، دیوار محافظی در اطراف مشهد بنا کرد که ظاهر اولین باروی شهر بوده است.

این گزارش کوتاه، دست مایه کسب اطلاعات بی‌شماری درباره اوضاع مشهد در ابتدای قرن ششم قمری است. اما آنچه به کار نوشتار ما می‌آید، همین اهتمام مردم شهر به برگزاری مراسم عزاداری در ایام محرم و به‌ویژه روز عاشورا است که قاعدتاً

مشهد قدیم

درون تکیه انبوه سیه پوش

زینبی! مشهدی‌های قدیمی، که در قالب مثنوی سروده شده است، یکی از آثار مرحوم رضا افضلی است و در آن تاریخچه شهری، اجتماعی و تغییرات صد سال گذشته مشهد، نشان داده شده است؛ کتابی که دبستگی شاعر را به مشهد قدیم، نشان می‌دهد و از احوال آن روزگار برای اهل امروز، سخن می‌گوید. یکی از شعرهای مرحوم افضلی درباره محرم است؛ قصه تکیه‌های قدیمی شهر که در آن سینه‌زن‌ها به صف ایستاده‌اند و جا برای سوزن انداختن نیست. مردها در قسمت مردانه در صفوف منظم، سینه‌زنی می‌کنند و زن‌ها در قسمت زنانه با بادبزن‌های حصیری نشستند. صدای جرینگ جرینگ استکان‌ها به گوش می‌رسد. روضه‌خوان از چهل پله منبر بالا می‌رود. اشک‌ها سرازیر می‌شود، سقا‌هایی که نذر کرده‌اند آب به دست مردم بدهند و گلاب افشانی که فضا را معطر می‌کند، همه آن صفایی که در روضه‌های قدیمی موج می‌زد، به درون شعر او ریخته شده است تا دمی، ما را به فضای عزاداری‌های گذشته این شهر ببرد. این شعر را با نام «درون تکیه، انبوه سیه پوش، با هم می‌خوانیم:

درون تکیه، شور سینه‌زن‌ها
فضا را کرده پر، بوی بدن‌ها
دمادم تکیه گرم و سیه‌پوش
فشارد سوگواران را در آغوش
تمام تکیه پر از مرد و از زن
فرماند، اگر ریزند آرزن
به هرسو چهره چادر سیاهی
ز پشت ابر می‌ناید چو ماهی
در آید بادن‌های حصیری
بجنبند دم‌به‌دم با سر به‌زبری

میان جینگ جینگ استکان‌ها
عزا افکنده زنگ غم به جان‌ها
در خشد حبه‌قند روضه‌خوانی
کنار بیضی زیراستکانی
ببارد اشک، چون رگبار اندوه
غمی باشد به دل سنگین تر از کوه
کند رخساره را چون ابرها تر
به گریه چشم‌ها در پای منبر
ز اوج منبر پر پله «آقا،
چو زیر آید، رود شیخی به بالا

که باشد نذر او با قصد قربت
یکی در دست دارد تنگ شربت
برد هر دم ز سقایی ثوابی
یکی بر دوش دارد مشک آبی
به دریای سیاه درد و غم‌ها
نهد با پنجه آن سقا، قدم‌ها
زند بوی بهاری در فضا پر
شود افشان گلاب از سوزی دیگر
علم‌ها تکیه داده روی دیوار
شده هر رایتی لرزان و غمبار

درون مهد، خفته کودک شیر
کنارش سرخ پوشی در کفش تیر
جماعت‌های خونین کفن پوش
ز رگبار قمه افتاده مدهوش
رود لرزنده و سنگین علم‌ها
ز سیل کوچه خیزد موج غم‌ها
به عاشورا که هرسو شور و شین است
تمام حرف‌ها حرف «حسین» است

خراسان نامه

خلوت‌خانه مزار قطب‌الدین حیدر

درباره چله‌خانه‌ای بازمانده از دوره صفویه در تربت حیدره



هادی دقیقاً تربت حیدریه از آن شهرهایی است که از دیرباز محل آمدوشد حاکمان و مردم و رفت‌وآمد کاروانیان بوده است. این یعنی تاریخ شهری که تقریباً دور تا دورش را کوه فرا گرفته، تاریخی پرفراز و نشیب بوده است و می‌شود از دلش، داستان‌ها شنید و فضاهای تاریخی بیرون کشید. مزار قطب‌الدین حیدر یکی از این بناهاست که تقریباً در مرکز شهر تربت حیدریه واقع شده است. قطب‌الدین حیدر، عارف نامی سده ششم هجری، در این مکان دفن است و نام‌گذاری تربت حیدریه نیز به اعتبار همین مدفن است. از قرن ششم هجری که وی به این شهر آمد تا زمانی که شهر به او نسبت داده شد، بیش از ۲۵۰ سال طول کشید. در زمان صفویان که خودشان از مرو جان تصوف در ایران بودند، حدود سیصد سال پس از مرگ قطب‌الدین حیدر، در سرفصل کتاب‌های جغرافیایی آن زمان، نام تربت حیدریه آمده است. قطب‌الدین حیدر، اصالتاً ترک بوده است و پژوهشگرانی از جمله سعید نفیسی، نسب وی را از سلاطین ترکستان می‌دانند.

● نمونه خوب یک بنای آرامگاهی

مجموعه قطب‌الدین حیدر شامل آرامگاه، مسجد جامع قدیم، چله‌خانه و کاروان سراسر است. مقبره قطب‌الدین حیدر در میان محوطه زیرگنبد قرار گرفته و ضریح چوبی آن، تاریخ ۹۸۷ قمری را دارد. این یعنی سال‌ها پس از مرگ وی، بنای مقبره ساخته شده یا بنایی بر مدفن او بوده که تخریب و دوباره ساخته شده است. در امتداد فضای ورودی مقبره نیز محرابی تعبیه شده و بنا پر از مقرنس‌کاری است و محرابش با گچ‌بری‌های دیدنی، تزئین شده است. دیوارهای سقف در قسمت‌نمای داخلی ساختمان با نقوش هندسی خاصی تزئین شده‌اند که به خط کوفی، عبارت «لا اله الا...» و «محمد رسول...» و نام تعدادی از عرفای آن حک شده است. بنای موجود، حاصل تغییر و تبدیل‌های چندین دوره گوناگون تاریخی است. به‌طوری که احتمالاً در دوره تیموری با گنبد دویوپسته ایجاد شده و در دوره صفویه در سال ۱۰۲۳ قمری نیز تغییراتی در معماری آن رخ داده است.

● چله‌خانه‌ای برای مردمان

درست جایی که خیابان‌های پروین و قائم در شهر تربت حیدریه به هم می‌رسند، روبه‌روی باغ ملی این شهر، بنایی بزرگ و شگفت‌انگیز قرار دارد که وسوسه دیدنش، هر رهگذری را به تماشای می‌خواند. ابعاد بنا از دور همچنان بزرگ است و تعداد بناها به‌قدری وسیع که از آن فاصله نیز همت سازندگان و اعتبار ساختمانش را نشان می‌دهد. اینجا مزار قطب‌الدین حیدر است که در طول زمان، دگرگون شده است و بناهایی به آن افزوده و برخی نیز تخریب شده‌اند. چله‌خانه قطب‌الدین حیدر نیز بخشی از بنای بزرگ این مزار است که به بنای اصلی آرامگاه متصل است. تاریخ ساخت آرامگاه را سال ۱۰۲۳ قمری نوشته‌اند، اما ظاهراً بنای چله‌خانه پس از این تاریخ ساخته شده است. شاه‌عباس صفوی نیز دستور بازسازی بنا را می‌دهد و حاکم تربت (سلطان محمود تربتی) آن را بازسازی می‌کند، با این حال تاریخ ساخت چله‌خانه، چندان از بقیه آرامگاه دور نیست و این موضوع را مصالح به کاررفته در بنا و بررسی‌های باستان‌شناسی تأیید می‌کند. بنای گفته‌شده با توجه به قرار گرفتنش در کنار آرامگاه و شباهتش به چله‌خانه یا خلوت‌خانه، به این نام مشهور شده است. چله‌خانه قطب‌الدین حیدر، تیرماه ۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

● تخریب و مهارت چله‌خانه

چله‌خانه در «لغت‌نامه دهخدا»، به جایی گفته می‌شده که روزه‌داران در مدت روزه داشتن در آن توقف می‌کردند و در رازوی خود می‌بستند. محل ریاضت‌کشیدن و چله‌گرفتن چله‌نشینان، جای اعتکاف صوفیان و زاهدان، از دیگر معانی چله‌خانه است. خلوت‌خانه نیز در «فرهنگ معین» جای آسایش، شبستان و نمازخانه، معنی شده است. در مزار قطب‌الدین حیدر نیز با توجه به ارتباط اجزای بنا و محراب کوچکی که در چله‌خانه‌اش قرار دارد، می‌توان این تعریف‌ها را برای آن کاربردی دانست.

بنای چله‌خانه قطب‌الدین حیدر یک چهارضلعی است با گنبدی آجری بر فراز آن که هشت نورگیر، روشنائی داخلش را تأمین می‌کنند. این بنا سه ورودی دارد که یکی، ورودی اصلی به بیرون است، دیگری به آرامگاه می‌رسد و یکی نیز از طریق زیرزمین به کاروان سرا دسترسی دارد. داخل بنادر دوره‌های جدید و پس از تشکیل اداره میراث فرهنگی تربت حیدریه، گچ کاری شده است. مصالح بخشی از دیوار بنا از بیرون، تقریباً تا ارتفاع چهارمتری از سنگ است و بقیه بنا آجری است. چله‌خانه قطب‌الدین حیدر، مربعی با ضلع‌های پنج‌متری است که ارتفاع دیوار آن تا قاعده گنبد، شش‌متر است. گنبد بنا نیز یک‌لایه و آجری است و دوازده متر ارتفاع دارد که از گنبد بنای اصلی مدفن، کوچک‌تر است.

نکته دیگری که در این مجموعه بناها تأمل برانگیز است، کاروان‌سرای کنار چله‌خانه است. کاروان‌سرای طبسی با طاق و ایوان و غرفه و انبار، از نظر ساختمانی ساده است و پی‌ریزی بنای آن به دوره قاجار بازمی‌گردد. این کاروان سرا یکی دیگر از بناهای مجموعه تاریخی قطب‌الدین حیدر است. این رباط را حاج محمد ابراهیم طبسی، از تاجر معروف عصر قاجار، در اواخر این دوره در ملک شخصی‌اش بنا کرده است. رباط طبسی در زمره بناهای دواپوانی است که شامل فضای ورودی، هشتی، تعدادی حجره مشرف به میان‌سرای بنا، انبار و اصطبل است. قسمتی از این بنا امروز به موزه مردم‌شناسی تربت حیدریه اختصاص یافته است.

با همه این‌ها، گویی همه چیز اینجا حول مزار شکل گرفته و حضور این همه بنا کنار هم، ریشه رشد شهر بوده است، مکانی برای رفت‌وآمد اهالی ورود و خروج کاروانیان و مسجدی برای عبادت و خلوت‌خانه‌ای برای چله‌نشینان و آرامگاهی برای مردمان.

